

نقشه سلمان برای آینده عربستان

سلمان بن عبدالعزیز پادشاه عربستان طی یک سفر رسمی 5 روزه به مصر رفت. این نخستین سفر ملک سلمان به قاهره از زمان نشستن به تخت سلطنت تاکنون بوده است. در این دیدار توافقات مهمی صورت گرفت.



به گزارش آران نیوز: به گزارش الجزیره، هر دو طرف با ایجاد پل بر روی دریای سرخ که دو کشور را به هم وصل می‌کند، توافق کردند. سلمان در این دیدار گفت: «این گام تاریخی برای اتصال دو قاره- آسیا و آفریقا- تحولی بنیادین است که تجارت میان دو قاره را به سطوحی قابل توجه افزایش خواهد داد.» دو طرف در این دیدار 17 توافق‌نامه در زمینه‌های مسکن، برق، بهداشت، آموزش، کشاورزی و دارایی امضا کردند. با این حال گفته نشده که این پل از چه مناطقی ساخته خواهد شد. به گزارش الجزیره، گفته می‌شود از منطقه «نقب» در شمال شرم الشيخ در مصر و «راس الشیخ حمد» در عربستان سعودی دو کشور 16 کیلومتر از هم فاصله دارند. ملک سلمان در تدارک گذار نسلی در خاندان سعودی است

پایان حکومت پیرمردها

توافق‌نامه‌هایی که میان دو طرف امضا شد شامل ساخت مجتمع‌های مسکونی در شبه‌جزیره سینا و همچنین احداث دانشگاه ملک سلمان در شهر الطور در جنوب سینا است که اکنون شاهد حملات خونین داعش به نظامیان مصری است. دو طرف با تاسیس نیروگاه برق در غرب قاهره به ارزش 100 میلیون دلار و ارتقای بیمارستان القصر العینی در مصر با 120 میلیون دلار و نیز ترسیم مرزهای دریایی میان دو کشور توافق کرده‌اند. برخی رسانه‌های عربی تصاویر پادشاه عربستان و رئیس‌جمهور مصر را با عنوان «روح واحد» منتشر کردند؛ اما چه شد که اکنون عربستان می‌کوشد نقش فعال منطقه‌ای ایفا کند و سر پنجه‌های آل سعود همه جا سرک بکشد؟ به نظر می‌رسد تحولات این دو کشور از دو زاویه «تهدید داخلی» و «تهدید خارجی» سرچشمه می‌گیرد. «تهدید داخلی» عربستان ریشه در دو عامل دارد: یکی اقتصاد نفتی که ضربات خود را به این کشور وارد آورده است؛ دوم، بحث‌های مربوط به جانشینی است که شانس به تخت نشستن محمد بن سلمان را افزایش داده است. تهدید خارجی هم یکی مساله داعش است و دوم، سایر تهدیدات منطقه‌ای.

تهدید داخلی

الف) اقتصاد نفتی: اقتصاد تک محصولی باعث شد اقتصاد عربستان در سال 2015 و 2016 دچار کسری بودجه شود؛ چراکه نوسان قیمت نفت درآمدهای این کشور را نیز دچار نوسان می‌کند. به گزارش نشنال اینترست، محمد بن سلمان که از او با عنوان «تزار اقتصادی» و مسوول آرامکو یاد می‌شود، تلاش دارد تا اقتصاد کشورش را تا حدی از نفت جدا و آن را متکثر کند. بن سلمان که علاوه بر سمت معاون ولیعهد، پست‌های وزیر دفاع، برنامه‌ریز یا سکندار اقتصاد عربستان و مسوولیت آرامکو را نیز در کارنامه خود دارد، تلاش دارد تا برای دور ماندن از نوسان‌های قیمت نفت و تاثیرگذاری بر اقتصاد کشورش، منابع درآمدی کشور را متکثر سازد. به گزارش نیویورکتایمز، او در اولین گام سعی دارد تا بخشی از سهام آرامکو را فروخته و یک صندوق سرمایه‌گذاری دولتی تشکیل دهد. او در مصاحبه با بلومبرگ اعلام کرد که ارزش دارایی‌های این صندوق 2 تریلیون دلار خواهد شد. بن سلمان می‌گوید: «بی‌تردید، این بزرگ‌ترین صندوق روی کره زمین خواهد بود.» قرار است کمتر از 5 درصد از سهام آرامکو فروخته شود.

آرامکو روزانه حدود 10 میلیون بشکه نفت تولید می‌کند که معادل 10 درصد از کل نفت تولیدی جهان است. نیویورکتایمز می‌نویسد: این کشور 160 میلیارد بشکه ذخایر نفتی دارد. تا کنون صندوق «Government Pension Fund Global» متعلق به دولت نروژ بزرگ‌ترین صندوق ذخیره ارزی در جهان با سرمایه‌گذاری 850 میلیارد دلاری است. در واقع، آنچه بن سلمان قصد دارد انجام دهد پیش‌تر از این در نروژ شکل گرفته اما تنها فرق در این است که صندوق دولت عربستان 2 تریلیون دلار ذخیره خواهد داشت. گفته می‌شود دولت عربستان قصد اصلاح و بازسازی اقتصاد خود را دارد. نیویورکتایمز می‌افزاید: دهه‌ها افزایش قیمت باعث شد اقتصاد این کشور به شدت به نفت متکی باشد و همین باعث شده دولت بزرگ‌ترین کارفرما باشد. «راشل زیمبا»، تحلیلگر موسسه اقتصادهای جهانی روبینی مستقر در نیویورک می‌گوید: عربستان سعودی ماهانه 10 تا 15 میلیارد دلار را دود کرده و به هوا می‌فرستد. او تخمین می‌زند که از ذخایر ارزی این کشور 600 میلیارد دلار باقی مانده باشد.

مطالعه اخیر از سوی موسسه مشورتی «McKinsey» هشدار داد که بیش از نیمی از جمعیت عربستان زیر 25 سال است و طی سال‌های آینده موجی از این جوانان وارد بازار کار می‌شوند. این مساله می‌طلبد که دولت عربستان 3 برابر بیش از آنچه در سال‌های 2003 تا 2013 شغل ایجاد کرد، به ایجاد اشتغال بپردازد. به گفته تحلیلگران اهداف او ایجاد وسیله‌ای است که باعث می‌شود سرمایه‌گذاری‌های مستقیمی در شرکت‌های سعودی در داخل و خارج این کشور انجام گیرد. ایده اصلی استفاده از این دارایی‌ها برای تولید درآمد خواهد بود آن هم در زمانی که قیمت‌های نفت پایین است. این اقدام باعث توسعه روابط اقتصادی می‌شود که منجر به سرمایه‌گذاری در عربستان خواهد شد. شاهزاده محمد بن سلمان می‌گوید: سهام شرکت آرامکوی سعودی ارزشمندترین سهام در دنیاست که می‌تواند تا سال آینده در بازار سهام عربستان عرضه شود. پول به دست آمده وارد «صندوق سرمایه‌گذاری دولتی» خواهد شد. این صندوق اکنون 5 میلیارد دلار دارایی دارد که با فروش 5 درصد از سهام آرامکو می‌تواند تا 2 تریلیون دلار افزایش یابد.

بن سلمان در نظر دارد برای رهایی از بخشی از بحران‌ها، اقتصاد کشورش را از حالت تک‌محصولی خارج کند تا اتکالی کمتری به نفت داشته باشد. بر اساس گزارش نیویورکتایمز به نقل از بلومبرگ، بن سلمان می‌گوید: «تا 20 سال آینده اقتصاد ما هیچ وابستگی عمده‌ای به نفت نخواهد داشت.» با این حال، دیپلمات‌ها و تحلیلگران غربی می‌گویند که شروع این طرح‌ها برای عربستان دشوار است؛ چرا که

چشم‌انداز اقتصاد این کشور مبهم بوده و مهلتی هم که برای اجرای این طرح‌ها گذاشته شده چندان روشن نیست. زیرا در همین رابطه می‌افزاید: شروع این اصلاحات زمانی آسان‌تر بود که قیمت نفت بالا بود و دارایی‌های سعودی بیش از آن چیزی بود که اکنون هست. ژان فرانسوا سزنگ، تحلیلگر موسسه انرژی جهانی در شورای آتلانتیک می‌گوید: چالش مهم دیگر بحث شفافیت در نقل‌وانتقالات مالی در این شرکت است؛ امری که آرامکو تاکنون از آن طفره رفته است. او می‌افزاید: «اندکی بعد وقتی سرمایه‌گذاران می‌بینند پول‌هایشان به جیب خانواده سلطنت می‌رود، دیگر پولی به این کشور نمی‌آورند.»

ب) محمد جانشین سلمان: پس از دو دهه حکومت «پیرمردان» بر عربستان و وابستگی بیش از حد به آمریکا در منطقه‌ای خطرناک، پادشاهی عربستان فرآیند انتقال قدرت به نسل جوان‌تر را آغاز کرده تا آینده این پادشاهی را در وضعیت بهتری قرار دهد. به نوشته نشنال اینترست، به نظر می‌رسد پادشاهی سعودی برای جلوگیری از بحران‌های ناخواسته دست به کار شده و به اراده خود می‌کوشد تا قدرت را به شکل مدیریت شده در دست نسل جوان قرار دهد. یکی از دلایل این کار رویگردانی آمریکا از عربستان در پرتو تحولات اخیر منطقه است که شاهزادگان سعودی را به این نتیجه رسانده که «خودشان باید گلیم خود را از تحولات منطقه بیرون بکشند.» نشنال اینترست می‌افزاید: اگرچه آل سعود نزدیک به 3 قرن است که بر مقدرات عربستان حکمرانی دارند، شرایط زمانه آنها را به این نتیجه رسانده که برای تداوم این قدرت موروثی دست به یک گذار نسلی بزنند. با این حال، در سال‌های اخیر قدرت بیش از هر زمان دیگری از دوران عبدالعزیز آل سعود در سال 1953 میل به تمرکز یافته است. سلمان آخرین فرزند پایه گذار عربستان یعنی عبدالعزیز آل سعود خواهد بود.

سلمان به دنبال درانداختن طرحی نو در این پادشاهی است. بر این اساس، او در گام اول مقرن بن عبدالعزیز، برادر ناتنی و 68 ساله خود را به محض رسیدن به قدرت از کار برکنار کرد. این باعث شد سنت انتقال قدرت در میان فرزندان عبدالعزیز یعنی از برادر به برادر حذف شده و سنت پدر به فرزندی متداول شود. نشنال اینترست از این سنت با عنوان «گذار نسلی» یاد می‌کند. او در گام دیگر برادرزاده‌اش محمد بن نایف 56 ساله را ولیعهد و فرزند خود را معاون او قرار داد. محمد، 30 ساله، فقط به پشتوانه پدرش شناخته شده است؛ چراکه تا پیش از معاون ولیعهد شدن هیچ‌کس در جامعه عربستان او را نمی‌شناخت.

محمد چنان به سرعت مدارج ترقی در ساختار قدرت را پیمود که بسیاری را به این گمان انداخته او به عمد قدرت پسرعمو و ولیعهد را به چالش کشیده است تا به پادشاه بعدی عربستان تبدیل شود. محمد همان‌گونه که در بالا گفته شد- پست‌های مختلفی را به دست آورد. «کارن الیوت‌هاوس»، تحلیلگر نشنال اینترست می‌نویسد: «محمد در هر حوزه‌ای سعی دارد سیستم را تا مغز استخوان تکان دهد. از دوران عبدالعزیز آل سعود تا کنون سابقه نداشته که جوانی 30 ساله تا این حد در ساختار قدرت دارای نقش و نفوذ باشد. ظهور این شاهزاده جوان باعث عصبانیت شاخه‌های دیگر خانواده سلطنت شده است اما به پشتوانه پدر توانسته مخالفت‌ها را مهار کند و محکم سر جای خود بایستد.»

اگرچه ظهور این جوان توانسته انرژی را به کالبد سالخورده عربستان بدمد اما در عین حال ابهام را نیز با خود وارد سیستم کرده است. محمد برای تقویت جایگاه خود در سطح اجتماعی هم دست به ابتکاراتی زده است. او سفری یک ماهه به مناطق مختلف کشور را در ماه فوریه آغاز کرد. این باعث شد نسل جوان این کشور به این جوان 30 ساله علاقه‌مند شود و تا حدودی بدنه اجتماعی را با خود همراه سازد. به نوشته نشنال اینترست، 70 درصد از جمعیت عربستان 30 ساله یا کمتر از 30 سال هستند. جوانان سعودی ریسک‌پذیری محمد را تحسین می‌کنند. او با آغاز جنگ یمن و اتخاذ رویکردی سخت‌تر در برابر ایران در منطقه و سایر ماجراجویی‌های منطقه‌ای توانسته بخش بیشتری از جوانان سعودی را با خود همراه سازد. محمد تلاش دارد تا سال 2030 درآمدهای غیرنفتی کشورش را از 10 درصد به 70 درصد برساند. خصوصی‌سازی‌های گسترده در عربستان دلیلی بر این امر است. اینها «چالش‌هایی عظیم» در کشوری است که 3 قرن است را کد مانده است. سنت مالوف در عربستان این بود که قراردادهای اجتماعی بیشتر بر وفاداری به رژیم مبتنی بود نه موفقیت، پیشرفت و رفاه. با این حال، این جوان 30 ساله متعهد شده که تا سال 2030 حدود 6 میلیون شغل ایجاد کند. پایه گذار عربستان 44 فرزند از 22 همسر داشت. حدود 36 نفر از آنها به سن بزرگسالی رسیدند و تنها 6 نفر از این برادران به پادشاهی عربستان دست یافتند. یازده برادر، با خود ملک سلمان 12 برادر، هنوز زنده‌اند. آن 36 فرزندی که به سن بزرگسالی و کهنسالی رسیدند، مجموعه‌ای از فرزندان و شاهزادگان را پرورش دادند که بر اساس روایتی گفته می‌شود تعداد این شاهزادگان 7 هزار نفر می‌شود.

تهدید خارجی

عربستان با دو تهدید خارجی مواجه است: یکی داعش است که می‌رود بخش‌هایی از عربستان را به «تیول» خود درآورد. ولایت‌های حجاز و نجد اکنون در زمره استان‌های مستعد حضور داعش هستند. تهدید دوم هم نقش آفرینی مخرب عربستان در سطح منطقه است که تیرهای شلیک شده از سوی این کشور به سوی ریاض نشینان کمانه کرده است. نیویورک‌تایمز به توصیف 6 پسر عموی سعودی پرداخته که به داعش اعلام وفاداری کردند. آنها تصمیم می‌گیرند یکی از این پسرعموها را که در مرکز «نیروی ضد تروریسم پادشاهی سعودی» جراح بود از میان بردارند. به همین ترتیب، این گروه پسرعموها در ماه فوریه «بدر الرشیدی» را ربوده، او را به حاشیه جاده‌ای متروکه کشیده و او را با شلیک گلوله کشتند. آنها در فیلم ویدئویی خود به تقبیح خاندان سعودی پرداختند و تهدید به تلافی بیشتر کردند.

این فیلم به سرعت در فضای مجازی دست به دست شد و علامت سوال بزرگی پیش روی کشوری قرار داد که مدعی مبارزه با تروریسم است؛ تروریسمی که ریشه‌هایش به وهابیت سعودی بازمی‌گردد. داعش همچون القاعده پادشاهی سعودی را به فاسد کردن باور اسلامی متهم می‌کند تا به این وسیله بتواند قدرت را در دست خود نگه دارد. در نزد این گروه دولت سعودی دیگر «اسلامی» نیست و بر همین اساس «خادمین حرمین شریفین» برانزده خاندان آل سعود نیست. نیویورک‌تایمز می‌نویسد: «اما شبکه‌های القاعده سال‌ها پیش در این پادشاهی از میان رفت و رهبری این گروه کشتن غیرنظامیان مسلمان را تقبیح کرده است.» با این حال، خلافت خودخوانده از طریق عضوگیری مجازی به صورت خزننده وارد پادشاهی سعودی شد و به این ترتیب توانست «مشتاقان متعهدی» را بیابد که در کشتن سنی،

شیعه و ... تردیدی به خود راه نمی‌دهند. هدف داعش از این کار بی ثبات کردن پادشاهی است.

در ماه جولای، جوانی 19 ساله پیش از اینکه حمله‌ای انتحاری نزدیک یک زندان انجام دهد، عموی خود که سرهنگ پلیس بود را از پای در آورد. در پیامی صوتی که از سوی داعش پس از مرگ این جوان منتشر شد، او مادر خود را مورد خطاب قرار داده بود: «برادر کافر تو مطیع ستمگران بود. اگر اطاعت امثال او نبود، ستمگران از میان می‌رفتند.» «بن هوبارد» گزارشگر نیویورک‌تایمز می‌نویسد: حدود 3 هزار سعودی به گروه‌های شبه‌نظامی در خارج از کشور ملحق شده‌اند و بیش از 5 هزار نفر هم در داخل به اتهام تروریسم زندانی شده‌اند. عربستان سال‌های متعددی حامی گروه‌های شبه‌نظامی بود و از آنها به‌عنوان نیروی نیابتی برای پیشبرد دستور کاری خود در بوسنی، چین و افغانستان استفاده می‌کرد. این وضعیت در سال 2003 پایان یافت؛ آنگاه که القاعده تمرکز خود را به سوی پادشاهی معطوف کرد و مجموعه‌ای از حملات را سازمان داد. اگرچه میان نگاه مذهبی عربستان و داعش اشتراکاتی هست اما اکنون داعش به چالشی جدید برای حاکمان سعودی تبدیل شده است.

به گزارش نیویورک‌تایمز، اکنون در عربستان دو رویکرد در برابر هم قرار دارد: یکی رویکرد داعشی که خاندان سعودی و سیاست‌هایش را هدف گرفته است و از سوی دیگر، دولت عربستان است که خانواده‌ها را به جان یکدیگر می‌اندازد تا از شکل‌گیری گروه‌های حامی داعش جلوگیری کند. با این حال، ملک سلمان دو سیاست را همزمان به پیش می‌برد: با دادن اختیار کامل به محمد او را پیشقراول مبارزه با تروریسم در داخل قرار داده و از سوی دیگر با سفرهای خارجی از جمله اخیراً به مصر می‌کوشد تا جایگاه فرزند را در سلسله مراتب قدرت تضمین کرده و به تعبیری او را در میان حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بشناساند. به این ترتیب، موانع پیش پای او برای حضور در قدرت را برداشته و سنت انتقال قدرت از پدر به پسر به سنتی جدید در این پادشاهی تبدیل خواهد شد.